

**حدیث روز:**  
امام صادق(ع)؛

روزگار پر آشوبی فرامی‌رسد که در آن روز مردم جز با کت‌ب‌های خود انس نمی‌گیرند.

**پلک احساس:**  
گر صبر دل از تو هست و گر نیست هم صبر که چاره دگر نیست

**اوقات شرعی:**  
اذان ظهر: ۱۷/۵۰  
اذان مغرب: ۱۷/۱۴  
اذان صبح (فردا): ۵/۱۹  
غروب آفتاب: ۱۶/۵۴  
نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۷  
طلوع خورشید(فردا): ۶/۴۷

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008 ACS registrars

■ شماره: ۳۶۳۷۰- ISSN1۷۳۵۰۰۰۰  
■ پایگاه اینترنتی: www.jjo.ir  
■ www.jamejamdaily.ir  
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۷ | ۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۲۵۵ | استان تهران و البرز، ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان Wednesday - 2018 Nov 21

**پیش‌بینی آب و هوا پنجشنبه**

<b>تهران</b> ۱۵ / ۸	<b>اصفهان</b> ۱۶ / ۱	<b>شیراز</b> ۱۸ / ۵	<b>شهرکرد</b> ۱۴ / ۰	<b>قم</b> ۱۹ / ۸	<b>قزوین</b> ۱۳ / ۶	<b>گرگان</b> ۱۹ / ۱۰
------------------------	-------------------------	------------------------	-------------------------	---------------------	------------------------	-------------------------

**راپورت‌های میرزا ادريس**

**اندر باب پرو بابی رعیت هفت‌تپه**

الیوم راپورت رسیده که گویا جمعی از رعیت قصبات خوزستان که گویا در کارخانه‌ای تحت عنوان هفت تپه مشغول به کار بوده‌اند. چند ماه است مواجب و اجرت نگرفته‌اند و خرج معاش برگرده‌شان فشار آورده ریخته‌اند جلوی مرکز حکومتی شهر و اعتراض کرده‌اند.

الحق که عجب دوره زمانه‌ای شده است. در ایام ماضیه رعیت کی این قدر پر رو و دریده بودند. مسلمان ننسود. کافر ببیند که رعیت جماعت بیاید جلوی مرکز حکومت و داد و بیداد کند و بگوید حقم را می‌خواهم؟ چه جلالت‌ها؟ شیطان می‌گوید بلند شویم توی این هوا دزدی پاییز برویم توی قصبات خوزستان و حق این رعیت نمک‌نشناس را بگذاریم کف دستشان!

هیچ‌کس هم نیست بگوید اگر نبودند مال‌ک‌ان شریف و عزیز زحمتکش کارخانه و اسم تو را در سیاهه کارگرن آنجا نمی‌نیشتنند و سال به دوازده ماه را می‌نشستی توی خانه و یانگویم نگاه می‌کردی و نان خشک سق می‌زدی خوب بودا همین‌که صبح‌ها از خانه می‌زنی بیرون و می‌روی نیشکر می‌فشری و طی پولوتیکی شکر می‌سازی کم است؟

همین‌که دلی به باد داده و هوایی می‌خوری و با همکارانت بگو بخند راه می‌اندازی و دلت وامی‌گردد کافی نیست؟ تو نمی‌دانی همین رجال حکومت و صاحبان کارخانه چه رنج‌ها می‌کشند؟ تو اصلا می‌فهمی هر صبح با صدای پیامک واریز سود کارخانه به حساب از خواب بیدار شدن چه رنجی دارد. هیچ‌کدام از شما می‌دانید باطری کنترل کولر گازی تمام بشود و تا باطری برسد چه گرمایی رئیس باید تحمل کند. شما اصلا می‌دانید چقدر خوردن دنده کباب برای قلب و غلظت خون مدیر سخت است.

واقعا خجالت دارد. هرچه این صاحب منصبان سکوت کرده، هیچ نمی‌گویند گذاشته اید به حساب لامانی گرفتن و بیشتر اعتراض می‌کنید. نجابت می‌کنند ایهالناس. هر چه زودتر این سبک مغز بازی‌ها را کنار گذاشته و به کار و زندگی‌تان برگردید و وام صاحب منصبان تلخ نکنید و گرنه می‌آییم همه‌تان را می‌ریزیم توی کارون.

والا اعصاب نمی‌گذارید برای ما. باقی بقایمان دنیا فدیایمان

### حراج آینه تایتانیک

پس از غرق شدن کشتی تاریخی تایتانیک در بیش از صد سال پیش، آینه ویژه کاپیتان کشتی مشهور، برای فروش در یک حراجی با قیمتی نزدیک به ۱۳ هزار دلار به نمایش گذاشته شد. به گزارش تایتانک، روح ادوارد جان اسمیت، پس از غرق شدن تایتانیک و کشته شدن او، در آینه ساکن شد و در چهاردهم آوریل هر سال، همزمان با سالگرد غرق شدن کشتی، روح او در آینه ظاهر می‌شود.

بازماندگان کاپیتان جان اسمیت پس از غرق شدن کشتی، دارایی‌های خانه‌اش را توزیع کردند و در آن زمان آینه ویژه کاپیتان که با چارچوب نقره‌ای براقی احاطه شده بود، به‌عنوان یادگاری به خدمتگارش رسید. خدمتکار زن ادعا می‌کرد هر سال در زمان غرق شدن کشتی و مرگ کاپیتان در چهاردهم آوریل، صورت او را در آینه می‌بیند.



از آن زمان تاکنون، آینه بین افراد خانواده خدمتکار دست به دست می‌شود تا این‌که به دست فردی به نام دیوید اسمیت که خانه یکی از نزدیکان خدمتکار را خرید، می‌رسد. دیوید پنج سال آینه را نگهداری کرده و اینک می‌خواهد آن را در یک حراجی به فروش برساند.

**گفت‌وگو با منصور آذری؛ مجسمه سازی که عاشق باربرهاست**

## شنا در بی‌کرانگی اشیاء

❏ وقتی به او می‌گویم، استاد! می‌خندد و می‌گوید، همه عمر شاگرد بوده و هستم. شاگرد زندگی! می‌گویم؛ شاید شاگرد زندگی باشید، اما در حوزه هنر که استاد هستید. باز هم فروتنانه می‌خندد و می‌گوید؛ هر وقت توانستم یک پُر را آتچانم که خداوند آفریده، بسازم آن وقت کمی استادم! منصور آذری، هنرمند مجسمه سازی است که با هنر زندگی می‌کند، هنر به این مفهوم که آفریدن برایش تبدیل به انگیزه‌ای برای زندگی

شده است. برای او اشیاء و همه آن چیزهایی که در هستی وجود دارند، ماده‌ای است برای خلق کردن و ساختن. آذری، سازنده مجسمه مرد باربر و پسرش که در بازار تهران نصب شده، به این گروه از مردم علاقه خاصی داشته ، حرف‌های زیادی برای آنها دارد. این مجسمه به نوعی ادای دین به این کارگران شریف است. آذری که خودش متولد محله مولوی است، نگاه انسان دوستانه‌ای به پیرامونش داشته و بچه‌ها را بسیار دوست دارد. به باور او، مهم‌ترین وظیفه آموزش و پرورش، تقویت زیادیدن در بچه‌هاست. با این هنرمند هم‌صحبت شدم تا «حال خوب» را از زاویه نگاه یک مجسمه‌ساز پیدا کنم.

طاهره آشتیانی

روزنامه‌نگار

❏ **در این روزهای پاییزی، حال آقای مجسمه‌ساز هم مثل حال شاعران خوب است و مشغول کار است یا فصل‌ها و ماه‌ها برای مجسمه‌سازها چندان فرقی ندارند؟**

یک سالی است درگیر یک پروژه‌ام. اولش کارها خوب پیش می‌رفت اما « افتاد مشکل‌ها»، گرانی باعث شد نتوانم مواد لازم برای ادامه کار را تهیه کنم، به همین دلیل نیمه تمام ماند و کمی اذیت شدم؛ کاری در راستای معماری سنتی کویر بود که به سفارش دانشگاه هانوفر آلمان روی آن کار می‌کردم. اما در این میان چند کارگاه برگزار کردم که خیلی دوستشان داشتم و لذت بخش بود. باغ گل‌های کرج، دو جشنواره گل و گیاه برگزار کرد یکی در ایام نوروز و دیگری در شهریور ماه که مردم استقبال خوبی کردند. برای آنها جالب بود که با گل که خیلی ارزان و سهل‌الوصول است ، می‌توان کارهای هنری ساخت.

❏ **شاید به این دلیل که بیشتر مردم فکر می‌کنند ساخت مجسمه یا حجم‌سازی کاری دشوار است و فقط آدم‌های خاص می‌توانند آن را انجام دهند...**

بله! این هنر به مردم خوب معرفی نشده است. مجسمه سازی، آسان‌ترین و سخت‌ترین هنر است، یک فرد می‌تواند بسادگی به یک ایده حجمی برسد و آن را بسازد اما اجرای نهایی آن بخصوص اگر بخواهی آن را با مواد اصلی و خوب بسازی، کاری سخت و پیچیده می‌شود. چون هنرمند باید تکنیک‌های زیادی را بلد باشد. در کشور ما کارها چندان تقسیم‌بندی درستی ندارد. مثلاً یک ریختگر ماهر باید قالب را بسازد اما در این کار باید کاملاً

دنیا فانی است و آنچه می‌ماند، افکار ماست که

در قالب مجسمه عینیت پیدا می‌کند. هر قدر عاشق تر باشی، اثرت باورپذیرتر و ماندگارتر است.

❏ **هر روز صبح انگار تازه به دنیا می‌آیید. شاید به این دلیل که در کار خلق کردن و آفریدن هستید. به نظر می‌آید همه آدم‌ها حتی در ابتدایی‌ترین شکل وارد آفریدن شوند، زندگی زیباتر و با انگیزه‌تر می‌شود. آیا همه آدم‌ها می‌توانند وارد دنیای آفریدن شوند یا فقط گروه خاصی هستند که می‌توانند چنین تجربیاتی داشته باشند؟**

یک جور ترس برای ورود به دنیای هنر و مجسمه‌سازی وجود دارد. باید این ترس را پشت سر گذاشت و دست به کار شد. اگر وجود از جنس یک هنر لبریز باشد حتما موفق می‌شوی. من اشیاء و موادی را که دور برم هست بی‌جان نمی‌بینم.

سنگ‌ها و گل‌ها و هر ماده‌ای که بتواند شکلی جیم بگیرد برایم جان دارد و در ذهنم از آن چیزی می‌سازم. برایم هیچ ماده‌ای بلااستفاده نیست. ذهنم جست و جوگر و مدام در پی این است که چیزی بسازم. یک فیلم کوتاه دیدم درباره یک مجسمه‌ساز ایتالیایی که یک روز همه مجسمه‌هایی که او ساخته راه می‌افتند، حرکت می‌کنند و حرف می‌زنند. مجسمه‌ساز روح خود را داخل مواد می‌ریزد و به آنها جان



اگر زیباشناسی را فراگیر و اپیدمی نکنیم، خشونت جای زیبایی را خواهد گرفت

امروز در تاریخ:

❏ تصویب لایحه واگذاری امتیاز نفت شمال به

شرکت آمریکایی استاندارد اویل (۱۳۰۰ ش)

❏ انتشار اولین جدول کلمات متقاطع در آمریکا (۱۹۱۳م)

❏ تشکیل حزب فالانژ لبنان توسط پیر جمیل،

سیاستمدار لبنانی (۱۹۳۶م)

❏ روز جهانی تلویزیون

**حکمت ۱۱:**  
❏ چون در دشمن ظن غم یافتی، غفو و گذشت را شکرانه پیروزی قرار ده.

می‌دهد.

❏ **یکی از زیباترین مجسمه‌هایی که ساخته‌اید، مجسمه باربر است که در بازار تهران نصب شده. پدر کاری را به جلو می‌کشد و پسر بچه‌ای روی کاری نشسته و در حال کتاب خواندن است. کتاب دامن دست بچه نکته بسیار ظریفی است در حمایت از نسل آینده و احترام به فداکاری پدر چگونه به این ایده رسیدید؟**

اول این را بگویم که باربرها برایم بسیار محترم و شریف هستند. مردان زحمتکشی که از قدیم با زندگی مردم در ارتباط بودند و همه کارهای حمل و نقل را انجام می‌دادند. الان کارشان کمتر شده اما هنوز هم در کنار ما هستند اما نه بیمه دارند و نه امنیت کاری و شغلی. آنها باید تا پایان عمر کار کنند. وظیفه خود می‌دانستم با یک اثر به این گروه از مردم ادای دین کنم. باربرهای زیادی را می‌شناسم که فرزندان تحصیلکرده دارند، مهندس، دکتر و... اما آن قدر عزت نفس دارند که کار می‌کنند و دوست ندارند سربار فرزندان خود باشند. بچه که بودم در همسایگی ما مرد باربری زندگی می‌کرد که کوله باربری داشت. آن زمان به آنها می‌گفتند محال. او هر روز کوله خود را برمی‌داشت و به بازار می‌رفت و شب با کوله خود برمی‌گشت. بچه‌هایش که بزرگ شدند و ادامه تحصیل دادند دیگر دوست نداشتند پدر با کوله به محله رفت و آمد کند. پدرشان با فروتنی قبول کرد. کوله در مغازه‌ای می‌گذاشت و به خانه می‌آمد، اما هرگز از بچه‌هایش

### رزو جای پارک امکان‌پذیر شد

فرد دیگری خودرویش را در نقطه مورد نظر پارک کند. در حال حاضر چند فروشگاه و فرودگاه در سراسر آمریکا این فناوری را در پارکینگ‌های خود به کار گرفته‌اند. هر فضای پارک My Park دارای یک ربات کوچک انعطاف پذیر است که هنگام رزرو شدن مکان باز می‌شود. کافی است کاربران نرم افزار را دانلود کنند، برای خود حساب کاربری بسازند و مقصدشان را تعیین کنند. کاربران می‌توانند قبل از رسیدن به پارک، مکان مورد نظر خود را رزرو کنند. هزینه هر بار رزرو جای پارک حدود یک تا سه دلار برای دوساعت اول است.

### عروسی گران چینی

هفته گذشته عروسی باشکوهی در چین برگزار شد. این عروسی یکی از لوکس‌ترین و پرخرج‌ترین عروسی‌ها در مسکو بوده است. تنها برای طراحی چمدان‌های هدیه عروس به خانواده داماد حدود ۲۳۰ هزار پوند هزینه کردند. به گزارش اپلنا، در این جشن باشکوه، که مطابق با سنت‌های چین برگزار شده بود هیچ‌گونه مشروبات الکلی سرو نشد و عروس فقط ایستاده بود و سخنی نمی‌گفت. با توجه به رسم و رسوم چینی‌ها، داماد کنار عروس نمود و پس از مراسم او را همراهی کرد. آئینا، عروس ۲۲ ساله که برادرزاده سرمایه‌دار معروف Ustam Dzarbrailov است با دو لباس عروس به قیمت ۳۵۰ هزار پوند که طراحان لبنانی برای او آماده کرده بودند ظاهر شد.

